

یادداشت ۱۳

گزارش سیزدهمین روز محاکمه‌ی حمید نوری (عباسی) از استکهلم

امیر جواهری لنگرودی

چهارشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۰ برابر با ۰۸ سپتامبر ۲۰۲۱



سیزدهمین جلسه دادگاه حمید نوری در استکهلم پایتخت سوئد، در سالن ۳۷ دادگاه، روز چهارشنبه ۸ سپتامبر برابر ۱۷ شهریور از حدود ساعت ۹:۱۵ به وقت محلی آغاز شد.

در این جلسه آقای سیامک نادری، زندانی سیاسی سابق در زندان گوهردشت و از جان‌به‌دربرندگان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ به عنوان شاکی و شاهد شهادت می‌دهد.

سیامک نادری با سیمای آرام و شاعرانه اش روز پیش در پست فیس بوکی اش نوشته بود: «فردا» سیزدهمین جلسه دادگاه حمید نوری است. خواستم به دوستان بگویم که " نحسی " اش، برای حمید نوری است که سمت چپ و رو به من خواهد نشست، من مجبور نیستم قیافه نحسش را ببینم، اما نحسی او را حس خواهم کرد. مافوق اش هم " سیزدهمین " رئیس جمهور ایران است و بازی دو سر باخت برای خامنه ای بود. نحسی ها برای نوری و رئیس اش مستدام باد!

او پیش از این در گفت‌وگویی با سایت زمانه گفته بود: «آماده‌ام تا چشم در چشم حمید نوری بدوزم و شهادت بدهم....»

از حواشی روز چهارشنبه درون دادگاه، برای دومین بار با اعتراضی وکلای حمید نوری به روند پیشبرد دادگاه و زمان پرسش های خود روبرو شد. توضیح اینکه این دومین بار است که تیم وکلای نوری به روند توضیح زمانی پرسش و پاسخ با شاکیان و شاهدین اعتراض دارند. بدین معنی که روزهایی که دادگاه با شاکی و شاهد روبرو است مسیر پیشبرد دادگاه بدین شکل است که ابتداء امر وکلای شاکی به معرفی او اقدام می نماید. پس آنگاه نوبت به دادستان یا دستیار دادستان می رسد تا پرسش های خود را از شاکی یا شاهد طرح نماید. پس آنگاه نوبت به قضات دادگاه می رسد. در بخش پایانی نوبت به وکلای حمید نوری (عباسی) میرسد که پرسش های خود را از شاکیان و شاهدان آن روز طرح نمایند. آنها در رابطه با این پرسش زمانی پرسش های خود از شاکیان شکایت داشتند و گفتند: آخر وقت هر بعد از ظهر که دادگاه از نفس افتاده و همه خسته اند به ما زمان کمی می رسد که پرسش های خود را طرح نماییم.

رئیس دادگاه این موضوع را تائید کرد و یاد آور شدند که شما وکلا در ماه مارس سال آینده، فرصتی کافی خواهید داشت که پرسش های خود را از هر کدام از شاکیان و شاهدان دارید، طرح کنید!

همچنین رئیس دادگاه در اطلاع رسانی خود به حاضرین در دادگاه اعلان داشت: که شهادت سیامک نادری در دادگاه امروز به شکل ویدئویی ضبط می شود.

در آغاز این جلسه وکیل مدافع (مشاور) توضیحاتی درباره سابقه فعالیت ها و دستگیری سیامک نادری می دهد. می گوید: سیامک متولد سال ۱۹۶۰ است و هفت سال در ایران زندانی بوده که چندین سال از این مدت را در انفرادی گذرانده است. اتهام نادری هواداری از سازمان مجاهدین خلق بوده است.

پس از صحبت های وکیل مشاور سیامک نادری، خود سخن گفت و اظهار داشت: « که وی در سال ۱۹۸۰ بازداشت شده است. من رفته بودم از فروشگاه کوروش برای خواهرم کیف مداد رنگی بخرم که شناسایی و دستگیر شدم و فردی که من را لو داده از فعالیت های چهار ماهه ام خبر داشته نه بیشتر»

در ادامه سیامک بیان داشت: « او را به عنوان هوادار آشکار سازمان مجاهدین لو داده اند و بازداشت شده است» و یاد آور شد: من را در انفرادی نگه داشتند و وقتی همکاری نکردم گفتند که سالم او را تحویل اوین ندهید.

یک پاسدار با قد یک متر و ۹۰ آمدوبایک چماق از ساق پا تا فرق سرم را کوبید.»

سیامک نادری گفت: وقتی به هفت سال زندان محکوم شدم، وکیل مدافعی نداشت و اتهامی در پروندهام جز هواداری، یک کمک مالی ۱۰ تومانی و فروش نشریه سازمان مجاهدین نبوده است.

سیامک نادری در ادامه درباره انتقالش به زندان‌های مختلف و اینکه در نهایت به زندان گوهردشت منتقل شده، سخن گفت. نادری توضیح داد که پس از اعدام‌ها به زندان اولین منتقل و ۲۰ آذر ۶۷ آزاد شده است.

بعد از این توضیحات، دادستان به حضور نادری در زندان گوهردشت پرداخت و پرسید: که در کدام بندها به سر برده است؟ نادری توضیح داد: «که نام و شماره بندها پیوسته عوض می‌شده و حتی یک بند در یک سال دو بار نام عوض می‌کرد و خود در کدام بندها بدو است»

نادری تأکید داشت: که یا در قرنطینه بوده یا در انفرادی و به همین دلیل افراد زیادی را نمی‌شناسد، در حالی که در مورد ایرج مصداقی اینگونه نبوده و او افراد زیادی را دیده و می‌شناخته است.» سپس دستیار دادستان به طرح سوالات دادستانی از سیامک نادری می‌پردازد.

دادستان به نادری گفت: «شما گفتید در سال ۶۷ در فرعی هشت زندان بوده‌اید. می‌توانید روی نقشه این فرعی را نشان دهید؟» سیامک نادری پاسخ مثبت داد و مکان را مشخص کرد. دادستان گفت: «به نظر می‌رسد شما ساختمان شماره ۶ (از روی نقشه) را نشان می‌دهید.» او از نادری خواست که درباره این مکان و زندان توضیح دهد. سیامک نادری پاسخ داد: «ساختمان زندان گوهردشت همچون هزارپاست و پیش از انقلاب هم هزارپا نامیده می‌شده است.»

او در ادامه به ساختمان‌های مختلف اشاره کرد و توضیح خود درباره شکل هزارپای ساختمان زندان گوهردشت را کامل کرد. او گفت ساختمانی که شماره ۷ نامیده شده (حسینیه) محل اعدام‌ها بود، اما روز اول اعدام‌ها در ساختمان آشپزخانه انجام شده است.

نادری گفت: گرچه اعدام‌ها از هشت مرداد شروع شده، اما هفتم مرداد به فرعی آنان (فرعی هشت) یورش بردند، یادآور شد: «همین حمید نوری با

ناصریان آمدند و با خشونت با ما برخورد کردند و یک ساعت ساک‌ها و وسایل ما را گشتند.»

دادستان پرسید که بعد از رفتن نزد «هیأت مرگ» او را برای یک روز به چه اتاقی بردند؟

سیامک نادری گفت: «من حالم خوب نبود. شاید در طبقه دوم یاسوم بود. ۱۰ نفر در آنجا بودند که من هیچ‌کدام را نمی‌شناختم.» دادستان پرسش را تکرار کرد: «در همان ساختمان شماره ۶ (روی نقشه) بود؟»

سیامک نادری چنین پاسخ داد: «خانم دادستان! وقتی دارند اعدام می‌کنند و ۲۰-۳۰ نفر افراد را از کنارت برمی‌دارند می‌برند، دیگر به ساختمان و ... فکر نمی‌کنی...»

در مقابل دادستان توضیح داد و یاد آور شد: می‌داند شاید این سوال‌ها عجیب و غریب به نظر برسد، اما لازم است پرسیده شود تا بتوان فضا را مجسم کرد.

بعد از یک تنفس پانزده دقیقه‌ای، دادستان درباره هیأت مدیریت زندان گوهردشت پرسید:

سیامک نادری، از ناصریان (نام مستعار محمد مقیسه) به عنوان رئیس زندان نام برد و از حمید نوری به عنوان دادیار و از داود لشکری هم نام برد. او افزود: حمید عباسی (نام مستعار حمید نوری)، به عنوان بازوی قضایی و داود لشکری را به عنوان بازوی اجرایی و امنیتی، ناصریان (محمد مقیسه) معرفی کرد و یادآور شد که عباسی هم در دادگاه نشسته بود. سیامک نادری در ادامه گفت: باید از افراد دیگری هم به عنوان نیروهای زندان گوهردشت یاد کنم؛ از جمله "علی نعمتی" و "فرج"، ولی به هر روی سه نفر اصلی درگیر با اعدام‌ها عبارتند از: ناصریان (محمد مقیسه)، حمید عباسی (حمید نوری) و داود لشکری می‌باشند.

در ادامه سیامک نادری درباره اولین دیدارویا روبرو شدنش با حمید نوری در پاییز ۶۶ که او را به نام حمید عباسی می‌شناخته‌اند، چنین توضیح داد:

«با مورس خبر گرفته بودیم که حمید عباسی دادیار جدید زندان است. ناگهان درب باز شد و اولین باره که حمید عباسی را دیدم و او بایک چوب ۴۰ سانتی بالای سرم بود. همراه با یک پاسدار که ما به او می‌گفتیم؛ "پاسدار حقوق بشر"، چون ما را می‌زد و فحش رکیک می‌داد و می‌گفت من مطابق با حقوق بشر با شما برخورد می‌کنم. آن پاسدار با کابل شروع به زدن من نمود من گفتم: چرا می‌زنی؟»

حمید نوری گفت: خفه‌شو کثافت منافق!

من عصبانی شدم و گفتم: من اجازه نمی‌دهم به من توهین بکنی. می‌خواهی بزنی بزن اما من سه سال در انفرادی و تاریکخانه‌ها بوده‌ام و نمی‌گذارم که به من توهین بشود. بعد چهار نفر پاسدار و ... حمله کردند و بچه‌های ما را زدند، اما من آنجا دیگر کتک نخوردم.»

سیامک نادری در این بخش از شرح چگونگی اعدام‌ها در آن تابستان، و ماجرای زندانی سیاسی خانم "آذر" یاد کرد و گفت: در شرح اعدام‌های سال ۶۷ از هجوم نیروهای زندان به بندشان در روز جمعه هفتم مرداد خبر داد: «هجوم آوردند و وسایل ما را زیر و رو کردند چون دنبال دست‌نوشته می‌گشتند. ما قبلا این دست‌نوشته‌ها را بیرون داده بودیم و به دیگر زندانیان رسیده بود از جمله به زندانی "آذر"»

نادری گفت که این زندانی سیاسی (آذر) در بند زنان دست‌نوشته‌ها را در اختیار داشت که پاسدارها سراغ او می‌روند. او خواسته بود کاغذها را قورت بدهد، اما اجازه این کار را به او ندادند، کتک‌اش زدند و بعد هم شکنجه‌اش کردند: «بعد با موریس از آذر خبر گرفتیم که روی چرخ او را آورده‌اند به بند، با پای آتش و لاش....»

دادستان چند بار به سیامک یاد آور شدند که تنها به نکات مورد پرسش پاسخ دهند و خاصه مواردی که خودش دیده متذکر گردد.

نادری در ادامه از رودرویی با "هیئت مرگ" روایت کرد و بیان داشت: «من آن زمان هیچ‌کدام را نمی‌شناختم، اما در سال‌های بعد فهمیدم چه کسانی را دیدم. تصمیم برای من خیلی هولناک بود و بعد از سال‌ها مقاومت باید برای زنده ماندن به سوالاتی جواب می‌دادم.

از من پرسیدند: آیا صدام را محکوم می‌کنی که به ایران حمله کرده؟ گفتم: به من ربط ندارد. هر کسی ممکن است حمله کند. من را در منگنه گذاشتند و در نهایت جواب قانونی دادم که بله! او متجاوز بوده و محکوم است. بعد پرسیدند: آیا سازمان را محکوم می‌کنی؟ گفتم: بله.

نیری گفت: یک خط و نیم همین را بنویس. بیرون آمدم. ناصریان گفت: همین جا روی زمین بنشین و روی این کاغذ بنویس! نشستم و نوشتم. بعد که بلند شدم دیدم یک زندانی از روبه‌رو می‌آید. نمی‌توانستم تشخیص بدهم کیست. به عمد خودم را زدم به او تا لمسش کنم. فهمیدم حسین است ... او را برای اعدام بردند

بعد من کنار خیرالله (...) نشستم. گفتم: خیرالله دارند، اعدام می‌کنند. باید خبر را به بچه‌ها برسانیم.

او با بغض گفت: سیامک من دیگر خسته شدم و خیرالله را هم برای اعدام بردند فضای زندان را تب مرگ گرفت. اینها ۱۰ نفر ۱۰ نفر برای اعدام می‌بردند بعد ما را که ۱۰ نفر شده بودیم، به بند برگرداندند»

سیامک نادری در ادامه از حضور ناصریان و حمید عباسی (حمید نوری) در راهروی مرگ صحبت به میان آورد و روایت کرد: که ناصریان در پاسخ به یک زندانی که گفته می‌خواهد به توالی برود، گفته است: «منافق خبیث! می‌برمت جایی که دیگر به توالی نیازی نداشته باشی.»

سیامک نادری در ادامه روایت کرد: «وقتی آذر ۶۷ از زندان آزاد شده است، مادران بسیاری از به دیدن او آمده‌اند و خبر از اعدام شدن فرزندان خود داده‌اند. او در ادامه تکرار کرد که یادش نمی‌آید چه کسی او را نزد هیئت مرگ برده است.»

سیامک نادری پیش‌تر در گفت‌وگویی به خبرنگار "تلویزیون من و تو" گفته بود:

جمهوری اسلامی مردم را از مثنی توده بدون حقوق تبدیل کرد است. در زندان خیلی چیزها ممنوع بود. ورزشی کردن. خنده کردن. حتی نماز جماعت خواندن خود زندانی‌ها....

در سال ۶۶ وقتی که به بند حمله کردند، اولین نفری که وارد شدند همین حمید عباسی در کیفرخواستش می‌گوید: من خیلی خوش اخلاق، اخلاق برخوردار بودم. اما من هیچوقت خنده عباسی یادم نیست، هیچوقت! خبرنگار از سیامک می‌پرسد: اهمیت این دادگاه برای شما و دوستان تا در چیست؟

سیامک نادری گفت: امروز اهمیت دادگاه از نظر من در این است، که آن را، روز تولد جانبختگان یعنی همان قتل عام شده‌گان بنامم! اما بازتاب‌ها و اهمیت این دادگاه از نظر من در این است که یاد آور بشوم که این دادگاه صرف محاکمه حمید نوری نیست بلکه محاکمه بنیادگذار دادگاه جمهوری اسلامی یعنی خود خمینی که فتوای قتل عام ۶۷ را صادر کرده، هم است و همچنین محاکمه خامنه‌ای و رژیمش و رئیس‌جمهور جدیدش ابراهیم رئیسی که آن موقع مافوق (حمید عباسی) بود، نیز محسوب می‌گردد!

سیامک در این گفتگو یاد آور شد: در اولین روز کشتار سال ۶۷ در گوهردشت که روز شنبه‌ای بود. پرونده تعداد ۴۰ تن از بچه‌های کرج زیر دست حمید

نوری بود، خود رئیسی که زمانی دادستانی کرج را داشت. همان روز اول آن ۴۰ نفر را اعدام کردند. به یاد حرف های حداد عادل در سال ۹۶ افتادم که اعلام داشت: "رئییسی حتی یک حکم اعدام را هم نداده است" ولی ما شاهد این هستیم که آن ۴۰ نفر را در هیئت مرگ ۴ نفره آن روز، کسی که در رابطه با آن پرونده تعیین کننده بود، فقط شخص خود رئیسی بود و نقش این آدم در اینجا خود را نشان می دهد.

در ادامه این گفتگو، سیامک نادری یاد آور می گردد: این دادگاه، محاکمه یک قتل نیست، بلکه محاکمه تاریخی است. بر محور "جنایت علیه بشریت" است. وقتی اینجا هستیم ۵ نفریم ولی در عرض یک روز می بینی ۱۰۰ نفر نیستند!

چرا باید در گوهر دشت، چند صد نفر کمتر از یکماه پای طناب دار از ما گرفته می شود. این عین "جنایت علیه بشریت" است.

ممکنه ما نتوانیم "نسل کشی"، را ثابت کنیم، اما در محتوا "نسل کشی" هست و غیر قابل کنمان است.

نادری با قاطعیت می گوید: اگر با من باشد. زندانی که می ایستد و مقاومت می کند. دنبال این نیست که شپشوی بی ارزشی با مشخصه عباسی را محاکمه کند. ما می خواهیم این فرهنگ "آدم کشی" را از بین ببریم.

در آخرین وقت دادگاه، همانطوری که پیشتر نوشتم: وکلای مدافع حمید نوری اعتراض کردند که با توجه به شرایط دادگاه وقت زیادی برای پرسش های آنها باقی نمی ماند، به همین دلیل می خواهند صرفا به سوالات مستقیم پاسخ داده شود و اگر اطلاعات جدیدی جدا از بازجویی های پلیس وجود دارد، به آنها انتقال داده شود. قاضی توضیح داد که تصمیم دارد در این پرونده تعادل برقرار باشد و پرونده از لحاظ قانونی خوب پیش برود و همه راضی باشند.

رئیس دادگاه و وکلا درباره اضافه کردن یک جلسه دیگر به دادگاه رایزنی کردند تا همه طرف ها زمان کافی برای پرسش و پاسخ داشته باشند. دادستان توضیح داد پیش بینی می کرده بعضی جلسات بیشتر طول بکشد، به همین دلیل روزهای رزرو را در نظر گرفته است.

در ادامه توافق شد که فردا مجددا سیامک نادری برای پرسش وکلای حمید نوری دیگر باره بعنوان شاهد رد دادگاه حاضر گردد و بعد سراغ شاکی و شاهد بعدی آقای مهدی اسحاقی بروند
بر پایه ی یادداشت های پیشینم بر آنم:

دادخواهی همین است! هم صدا شدن با مادران، پدران، همسران و فرزندان همه‌ی ایرانیان خفته در خاوران‌های ایران، بدون گره زدن نام مبارزان با وام خواهی حقوق بشری اتحادیه‌ی اروپا که نماینده‌اش در جریان مضحکه‌ی نشست قاضی مرگ ابراهیم رئیسی بر تخت قوه‌ی اجرایی مهمان این جانی و حاکمیت جنایتکار بوده‌اند.

باری کارما از امروز با دادگاه و محاکمه حمید نوری در استکهلم تازه آغاز شده است، پژواک صدای دادخواهی همه‌ی مردمان رنج کشیده و داغدار، به وسعت ایران باشیم!

جلسه‌ی بعدی دادگاه محاکمه‌ی حمید نوری (عباسی)، پنج‌شنبه ۹ سپتامبر ۲۰۲۱ برابر ۱۸ شهریور ۱۴۰۰ با شهادت محسن اسحاقی ادامه می‌یابد.

تا یادداشتی دیگر ...

http://andishegbg.blogspot.com/2021/09/blog-post_8.html